



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: مهدی رحمتیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۸۵۷۵ – نامبار: ۸۸۶۵۴۳۹۲
www.sharhnewsaper.ir
نشانی اینترنتی:
سازمان آگهی‌ها: ۲۴۲۰۰۱۹۹
امور مشترکین: ۸۸۴۴۱۳۸-۰۱
توزیع: شرکت نوآوران جهان رسانه ایرسا –
تلفن: ۸۸۸۲۳۳۹۰
چاپ کلریز: جاده قدیم کرج، فتح، ۱۷، پلاک ۲۹
تلفن ۶۶۸۲۳۳۴۶ – ۷



قار سوم

احمد مسجدجامعی

آخر خیابان آفریقا، اول کوچه نیولوفر، وسط بیست و چند تا کلاغ گیر افتاده‌ام. کلاغ‌ها از هند هستند. سوار کشتی شده‌اند و سر از جزیره قشم درآورده‌اند و بعد هم ماندگار شده‌اند. کبائیان هم با دوربین‌اش آنها را شکار کرده، قاب کرده، به تهران آورده و به تماشا گذاشته است.

آن روز هوای تهران خوب و آفتابی بود؛ اما در گالری ماه مهر وضع صورتی دیگر داشت. از پله‌ها که بالا می‌رفتی و به سالن اصلی که می‌رسیدی، سرما تا مغز استخوانت رخنه می‌کرد. کبائیان اصرار دارد که برای دیدن کلاغ‌ها باید روی برف راه بروی. در قایب‌های او از آسمان، خورشید، ماه، درخت، دریا و موج خبری نیست– همه چیز حذف شده و جز کلاغ و کابل هیچ چیز دیده نمی‌شود. فضای تصاویر سرد و ساکت و سفید است. کف گالری، برف را به ذهن می‌نشانند. نمک ریخته‌اند. دیوارها همچنان به رنگ سفید است. دستگاه سرمایشی هم با تمام توانش به فضای زمستانی می‌افزاید. همه چیز خنک و یی‌وح و خاموش است؛ تنها کلاغ‌ها هستند که در همه جا دیده می‌شوند و صدای آنها از بلندگو به گوش می‌رسند؛ هر چند نال و پر آنها همه ریخته است و جابه‌جا، روی کف سالن، وسط برف‌ها آنها را می‌دیدی. موسیقی هراس‌انگیز یارید یادگار زنده‌ایا پاک بیات هم به کمک آمده است تا چیزی بگوید و صدای قارقار کلاغ‌ها را به کلبوسی شوم تبدیل کند.

برف‌های کبائیان هم با بقیه فرق دارد؛ شیرین نیست، شور است؛ آب هم نمی‌شود و جای پاها را نگه می‌دارد و… نخستین کلاهی که ما را به تماشا دعوت کرد، ساکت و بی‌صدا، کلاغ‌های دیگر را نگاه می‌کرد؛ دیگری هم خیره‌خیره تماشاگران را رصد می‌کرد. چندتای دیگر روی سیم‌های برق نشسته بودند و با چشم سفیدی ما را می‌پایبیدند. کلاغ‌ها با تکنیک‌های تصویری و فرم‌های گرافیکی درهم سبزه‌دار و بزرگ، شده بودند تا باز هم به ابهام و سردرگمی و دلشوره بینندگان بیفزایند.

کلاغ در داستان‌های فارسی و فرهنگ عامه مردم همواره نماد خبرچینی، شومی و تلخی و آلوده‌خواری است و عمری طولانی دارد؛ قضایا که هر روز و همیشه از زندگی تکرار می‌شود.

اما این بار کبائیان روایت دیگری از صدای این پرنده‌های سیاه‌رنگ و سیاه‌بخت در آغاز فصل سرد دارد: «اتفاق بدی در راه است. اگر کلاهی رویه‌روی تو نبینشد و به تو نگاه کند و دوبار قار بزند خبری در راه است. اگر سه بار قار بزند یعنی خبر برای توست و اتفاق می‌افتد و زمانی که گروه کلاغ‌ان از آسمان قارقار می‌زنند، اتفاق بدی در راه است. باید ذکر بگویی و به خدا پناه ببری.»

لا اله الا الله به خدا پناه می‌برم، انگاری کبائیان هم خرافاتی شده است.

این سو و آن سو
در دهرهای تن‌تن ادامه دارد
گروهی از طرفداران حقوق سیاه‌پوستان در بلژیک روز دوشنبه از دادگاهی در این کشور خواستند «تن‌تن در کنگو» را از کتابفروشی‌ها جمع‌آوری کنند.
این گروه مدعی است این جلد از مجموعه کتاب‌های مصور «تن‌تن» حاوی رویکرد نژادپرستانه و کلیشه‌های توهین‌آمیز به سیاه‌پوستان است.
بینیون مویتو موندونو، مردی اهل کنگو که اولین بار شکایت از این کتاب را به دادگاه برد و انجمنی ضدنژادپرستی از دادگاه خواسته‌اند این کتاب را که هر ه‌وزه نویسنده شهیر بلژیکی در سال ۱۹۳۱ نوشت، ممنوع کند یا حداقل پیوسته هشدارآمیز روی جلد آن قرار دهد.

احمد لهدیم وکیل موندونو و نماینده شورای انجمن‌های سیاه‌پوستان به دادگاه گفت: «ما هرژه را محکوم نمی‌کنیم. مشکل ما اشارات نژادپرستانه‌ای است که در آن زمان به مردم القا شد.»
شاکیان معتقد هستند این کتاب مصور که داستان آن در مورد ماجراجویی‌های تن‌تن و «برقی» سگ یامزه او در کنگو است حداقل باید به بخش بزرگسالان کتابخانه‌ها منتقل شود.
سائدرین کارنولی وکیل انتشارات «کسترمن و ولینسار» خواستنی‌ای نیست شدن این پرورنده شد زیرا این پرورنده ربطی به دادگاه شهری ندارد و مساله «ممنوع کردن چاپ یک اثر» در آن مطرح است.
یکی دیگر از وکلای این انتشارات در جلسه دیگر این پرورنده در ماه مه گفته بود ممنوع کردن یک کتاب مثل «سوزاندن» است.
این جلسه بعدی این پرورنده هستت دسامبر است و رای نهایی در دو ماه آینده صادر می‌شود.
در سال ۱۹۳۱ چاپ این کتاب بسیار بحث برانگیز بود؛ کنگو یکی از مستعمرات بلژیک بود و نمایش آفریقایی‌ها و مستعمرین و همچنین خشونت علیه حیوانات در «تن‌تن در کنگو» جنجال بسیاری را به پا کرد.

فصلنامه تخصصی حقوق عمومی منتشر شد

شماره ۶ و ۷ فصلنامه علمی تخصصی «حقوق عمومی» به سردبیری محمدرضا دولت‌رفتن‌حقیقی و با همکاری دکتر گودرز افتخارچهرمی، دکتر حسین مهرپرور، دکتر سیدمحمد هاشمی و آیت‌الله سیدمحمد موسوی‌جنوردی منتشر شد. در این فصلنامه مسائلی چون حقوق بشر و وضعیت اضطراری، نظر‌یه‌های تفسیرگر را در حقوق، ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی از دیدگاه حقوق عمومی اقتصادی، اصل تفکیک قوا و مساله حق محیط زیست در ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

فصلنامه علمی تخصصی حقوق عمومی با قیمت ۳۰۰۰ تومان عرضه می‌شود.

بسیاری از کتاب‌ها و رمان‌ها خود به خود

پس از انتشار تبدیل به یک اثر مطرح و پرفروش می‌شوند. اما گاهی وقت‌ها خواندن این کتاب‌ها

از سوی یک چهره سرشناس به فروش کتاب‌ها

کمک می‌کند. «سایت آمازون» چندی پیش

سراغ کتاب‌هایی رفته بود که به دلیل اظهارنظر

شخصیت‌های مطرح و مشهور فروش‌شان

دچار شوک شد و فروش آنها یک‌شبه به طرز

چشمگیری بالا رفت. ایسن کتاب‌ها در امریکا

عبارت‌از:

■ از روسیه با عشق به انتخاب کندی

جان اف‌کندی عاشق جیمزباند‌ها بود. اما در کنار همه این‌ها او به دوستان و اطرافیش رمان «از روسیه با عشق» نوشته ایان فلمینگ را هدیه داده بود. انتشار این رمان در سال ۱۹۵۷ به شدت پرفروش شد و جان اف‌کندی هم در یک گفت‌وگوی تلویزیونی به مردم امریکا توصیه کرد در تعطیلات تابستانی‌شان قسمت پنجم جیمزباند‌ها یعنی «از روسیه با عشق» را بخوانند. جان اف‌کندی شیفته شخصیت‌های منفی این داستان بود. او از «رد گرانت» به عنوان یکی از قهرمان‌های منفی محبوب نام برده بود.

■ صد سال تنهایی، انتخاب بیل کلینتون

دوستی بیل کلینتون و گابریل گارسیا مارکز هر روز عمیق‌تر می‌شود. در طول انتخابات ریاست‌جمهوری پیشین امریکا گابریل گارسیا مارکز به کمپین انتخاباتی هیلاری کلینتون پیوست و از او توالیم در جلدی از این بیل کلینتون درست در روزهایی که به عنوان رئیس‌جمهور در کاخ سفید بود؛ از «صد سال تنهایی» به عنوان محبوب‌ترین کتاب زندگی‌اش نام برد و گفت اولین کتابی که به هیلاری کلینتون هدیه داده است همین رمان بود.

■ تونی موريسون دوست و یار غار اوپاما

تونی موريسون اولین نویسنده زن سیاه‌پوستی که نوبل



سال پنجم- شماره پیاپی ۱۱۲۲- شماره ۱۹۶ دوره جدید - چهارشنبه ۳ آذر ۱۳۸۹ - ۱۷ ذیحجه ۱۴۳۱ - ۲۴ نوامبر ۲۰۱۰

آخر

گزارش آخر: کتاب‌هایی که با یک اشاره پرفروش شدند

آدم‌ها و کتاب‌ها

مانی فراهانی

ادبی را به خود اختصاص داد، نقش پررنگی در محبوبیت اوپاما در میان جامعه سیاه‌پوستان امریکا داشت. باراک اوپاما

رمان «آواز سولومون» را به عنوان یکی از سه رمان مهم تونی موريسون انتخاب کرده است. اوپاما از «آواز سولومون» به عنوان شاعرانه‌ترین رمانی که در چند سال اخیر منتشر شده نام برده است. تونی موريسون در حضور اوپاما در یکی از دانشگاه‌های ایالت سیل‌زده کاترینا بخش‌هایی از این رمان را خواند. اوپاما معتقد است تونی موريسون صدای زنده و رسای جامعه سیاه‌پوستان امریکاست.

ادبی را به خود اختصاص داد، نقش پررنگی در محبوبیت اوپاما در میان جامعه سیاه‌پوستان امریکا داشت. باراک اوپاما

رمان «آواز سولومون» را به عنوان یکی از سه رمان مهم تونی موريسون انتخاب کرده است. اوپاما از «آواز سولومون» به عنوان شاعرانه‌ترین رمانی که در چند سال اخیر منتشر شده نام برده است. تونی موريسون در حضور اوپاما در یکی از دانشگاه‌های ایالت سیل‌زده کاترینا بخش‌هایی از این رمان را خواند. اوپاما معتقد است تونی موريسون صدای زنده و رسای جامعه سیاه‌پوستان امریکاست.

پیشنهاد: موسیقی بدون کلام

سفر به اعماق پررمز و راز احساس

کیوان ساکت

بداهه‌نوازی در تکنوازی تکنوازان معاصر است. آثار آثار هم به جهت سوزنری و هم از نظر جمله‌پردازی جزء ناب‌ترین اجراهای موسیقی ایرانی است که شنیدن آن را به همه موهظانم توصیه می‌کنم. موسیقی بی‌کلام هم گوش دهند. یکی از مواردی که می‌توانم در حوزه موسیقی بی‌کلام پیشنهاد کنم سه چهار آلبوم اخیر خود من است که به نام‌های «شرق اندوه»، «شبی با خورشید»، «یادگار خون سرو» و «ان سوسوی آب و گل» منتشر شده است. غیر از آلبوم «ان سوسوی آب و گل» که تکنوازی تار و سه‌تار است در سه آلبوم دیگر موسیقی ایرانی به طرز نوین و بدیع که تاکنون در موسیقی ما سابقه نداشته است اجرا شده است. شنیدن این آلبوم‌ها را به خصوص به کسانی که به موسیقی بی‌کلام- که در حقیقت از نظر موسیقیدانان ناب‌ترین موسیقی محسوب می‌شود- علاقه‌مندند توصیه می‌کنم. همچنین شنیدن نوای زیبای ساز استاد جلیل شهناز، استاد فرهنگ شریف، لطف‌الله مجد و نای استاد حسن کسایی را هم توصیه می‌کنم. اکثر نواخته‌های این آستاید جزء بهترین نمونه‌های

یادداشت‌های شهر شلوغ: برای سلامت روانی جامعه چاره‌ای بیندیشیم

پرورنده‌های مفتوح

جواد طوسی

در زمانه عجیب و پرسو‌وفتاهی به سر می‌بریم و قضایات‌ها و رزایی‌هایمان بیشتر احساسی و روایی‌است تا واقعه‌ایانه و عمق‌یافته. قصد آن ندارم که بهانه‌ای بترشم و حرف‌هایم در آخرین یادداشتی که موضع‌گیری‌های تندى را علیم‌ام موجب شد، پس بگیرم. بخشی از ذکر مصیبت‌م را به موجود غریبال پیشینی

و سوسه‌انگیز و مساله‌ساز به نام «زن» اختصاص داده بودم که در مشا قابل توجهی از رخدادها قربانی می‌گیرد یا خودش قربانی می‌شود و این ماجرا بارها و بارها از دیرباز تاکنون تکرار شده است. بدون آنکه بخواهم چیزی را توجیه کنم و دل عدای را به دست بیاورم، به یک نمونه بارز در قربانی شدن «زن» در واقعایی و پر سر و صدا طی این چند سال اشاره می‌کنم. در ماجرای

در ایسن عصبیت و عدم توازن حاکم بر مناسبات فردی و اجتماعی، چندبر به رفتار غیرعادی افراد جامعه، انحرافات جنسی، نقش توارث و خلاء عاطفی، ساختار متزلزل خانواده‌ها و فقر فرهنگی والدین، انحراف محیطی، اغتیصاد... در ارتکاب جرائم اهمیت می‌دهیم؟ آیا برای طبقه‌بندی بزهکاران، «زه‌شناسی بالینی»، تشخیص ظرفیت‌های جنایی و حالات خطرناک، برنامه‌ریزی مؤثر و مدون صورت گرفته و ردیف بودجه مناسبی برای تحقق این امور پیش‌بینی شده است؟ بر اساس مطالعاتی که در موضوع ارتباط کمبود عاطفی والدین و بزهکاری انجام گرفته است، در ۷۴ درصد جوانان بزهکار موارد جنایی کمل از والدین وجود داشته است. تحت این شرایط، «فقر اقتصادی» به‌طور مستقیم علت بزهکاری نیست و اگر شخصیت فرد در کودکی پایدربری محکمی داشته باشد، بحث فقر نمی‌تواند به سهولت او را در معرض انحراف و فروپاشی قرار دهد. روی همین اصل، در سوابق اکثر بزهکارانی که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، علل فقدان عاطفی موجود بوده ولی در این موارد عامل یا عوامل دیگری هم در شکل‌گیری اعمال و رفتار مردمان دخالت داشته منتها «فقدان عاطفی» عامل اصلی بوده است.»
روى این وجه عاطفی از این جهت متمركز شده كه در هر دو واقعه «ساعت‌آباد» و افراد مرتبط با آن «قتل «اله سحرخیزان» و شخصیت اصلی مرتبط با آن یعنی «شهلا جاهد»، بحران عاطفی و نیاز غریزى به يك تكيه‌گاه موضوعیت داشته و با مسائل دیگری چون انتخاب این تكيه‌گاه در كانون اشتها، اعتیاد، دستیابی به رفاه هرچه بیشتر در اشتهاآزار اقتصادی و بنا كردن زندگی خود بر همان اساس، اصرار به انتقام از گذشته و فاصله گرفتن سریع و پرشتاب از فقر و محرومیت‌های دوران كودكى و نوجوانى، پایه‌های سست اعتقادی، تغییر چهره ظاهرى قدمدهای حقارت و باقى ماندن ریشه این قدمدها در وجود فرد... آمیخته شده است. اختلاا پرورنده‌های آتهامی «یعقوب» و «شهلا جاهد» به زودی مختموه خواهند شد، اما مراقب یعقوب‌ها و شهلا‌هاى دیگری باشیم که زندگی پرتلاطم‌شان را زیر آسمان كبود سبرى می‌كنند. قبل از رقم خوردن حوادث ناگوار بعدى و گشودن كودكشان به پرزاد دیده ناشیده، به خوں، برای سلامت و بهداشت روانی جامعه چارهای بیندیشیم.
بی‌نوشته‌ها:-----
۱- و با وای از کتاب روانپزشکی کیفری تالیف دکتر سعید حکمت، انتشارات گونتیرگ

در هفته‌های گذشته درباره دو نوع یقین سخن گفتیم و نیز راه‌های تمیز دادن این دو یقین. یکی از آنها یقینی است که با تلقین و تقلید در ذهن ما ایجاد شده است. اکنون باید یاد آید این یقین‌ها چگونه و چگونه و کی؟ در این‌باره کمی توضیح می‌دهیم: آیا کسانی پیدا می‌شوند که در برج و باروی این یقین نخستین رخنه ایجاد کنند؟ جواب این پرسش مثبت است. یعنی کسانی پیدا شده‌اند که حصار این یقین را شکسته‌اند و از این زنهار راه‌شده‌اند. اما تعداد آنان همیشه اندک بوده است و کارشان بسیار دشوار. آنچه یقین اولیه را آسیب می‌زند و در حصار آن رخنه ایجاد می‌کند «شک» است. تنها با شک می‌توان از زندان این یقین آزاد شد و راه حرکت فکری را به پیش گرفت. از اینجااست که شک در حرکت فکری بسیار ارجمند است. تنها دکارت شک را نقطه آغاز تفکر نمی‌داند، بلکه متکلمان معتزلی نیز شک را نقطه آغاز حرکت فکری می‌دانستند و می‌گفتند تا شک تکنی توان تفکر نتخواهی داشت. بنابراین کسی که شک می‌کند با تیشه شک فراه‌وار بر آن می‌کوشد تا از کوه یقین خود راهی به بیرون باز کند. شک، این آغاز ضروری و اجتناب‌ناپذیر در تفکر و تحقیق، از هر جا که آغاز شود گامی است به جلو اصولاً ریشه شک در لاتین نسبتی با پژوهش دارد. منظور ما نیز جز این نیست که انسان داوری‌های خام ذهن خود را با دیده نقد بنگرد. برخی از متکلمان مسلمان یک ایرانی متفکر کرد را به یک معرفی می‌کنند. این ایرانی متفکر همان پژوهش‌طلب است که گزارش شک خود را در مقدمه کتاب «کلیله و دمنه» آورده است. در اینجا باید به چند نکته توجه داشت: الف- شک برای انسان هدف نیست بلکه وسیله است برای حرکت فکری در جهت دست‌یافتن به نتایج علمی. اگر ما به یقین اولیه خود

بزرگداشت مرتضی ممیز

جزییات مراسم نکوداشت «مرتضی ممیز» همزمان با برپایی نمایشگاهی از بوسترهای برونو مونگوتسی در خانه هنرمندان ایران اعلام شد. به گزارش ایسنا، بنیاد زنده‌یاد مرتضی ممیز هر ساله در آستانه سالگرد خاموشی پیر گرافیک ایران، نمایشگاه و برنامه ویژه‌ای تدارک می‌یبند. امسال نیز قرار است در این مراسم مجموعه آثار «برونو مونگوتسی» از طراحان گرافیک پیگماک سوئیس، به همراه نمایشگاهی از آثار عکاسی ممیز در خانه هنرمندان ایران نمایش داده شود. نمایشگاه آثار «برونو مونگوتسی» در نگارخانه ممیز و نمایشگاه آثار عکاسی زنده‌یاد ممیز نیز در نگارخانه میرمیران خانه هنرمندان ایران از روز جمعه ۱۱ تا آذر ادامه دارد.

تهران : آذان ظهر ۱۱:۵۱ آذان مغرب ۱۷:۱۲ آذان صبح فردا ۵:۲۲ طلوع آفتاب ۶:۵۰



هر چه می‌گویم «فردا تعطیل است» به خرچشان فرو نمی‌رود. آخر ما چه کم از بچه مدرسه‌ای‌ها و کارمندان و کارگران داریم؟ حالا فردا مردم روزنامه نخوانند، آسمان که به زمین نمی‌آید. صد روز هم اگر نخوانند چه بهتر. اصلاً بی‌با تعطیلی‌اش کنیم، برویم دنبال یک کار آبرومند... اصلاً می‌گویم «آقا! اگر تعطیل نکنیم، این تعطیل نکردن‌مان را به حساب مخالفت – بلکه مخالف‌خوانی و ساز مخالف زدن – می‌نویسند‌ها...» می‌گویند رسالت مطبوعاتی ما اجازه به تعطیلی نمی‌دهد...

کیورچالی: رسالت مطبوعاتی، کیلو چند است؟ فردا اموات را هم آزاد گذاشته‌اند که هر کجا بخواهند بروند.

مودی: ما کی گرفتار بودیم؟ ما که کلاً از هفت دولت آزادیم، به کار به کارها داریم؟ حساب ما که زنده‌ها جداست. ببخود کار آنها را به کار خودمان گره نزن.

امیرشاهی: راست می‌گویید اینجا که می‌بینی همه چیز تعطیل است، به خاطر همان است که یک روز قیف نیست و روز بعد قیف نیست و روز بعد کسی که باید قیف را بگذارد و قیفر را بریزد نیست. ولی این طور که من شنیدم، دوستان زنده‌مان، تماموقت و تمامقد مشغول کارند و مدام دارند زحمت می‌کنند. **روشن‌ضمیر:** این یکی دو روز را هم که تعطیل می‌کنند برای این است که این طفلی‌ها دیگر نمی‌کشند و توانش را ندارند. بلکه هم می‌ترسند در این آلودگی هوا راندمان‌شان و بازه‌هی‌شان پایین بیاید، مبدا سیاندها سوا استفاده کنند.

میرفتاح: من هم همین را در روزنامه‌مان گفتم. گفتم بازدمان پایین می‌آید، آبرویمان می‌رود‌ها.

روشن‌ضمیر: روزنامه‌تان چه گفتند؟

میرفتاح: گفتند شما خودتان آقدر به دست خود هوای آلوده توی ریه‌هایتان می‌فرستید که دیگر این آلودگی هوا روی شما کارگر نیست. این مال آدم‌های پاک و پاکیزه است که گرفتار هوا می‌شوند...

کیورچالی: خب آدم‌ی این هوا هیچ وقت پاک نشد و همچنان آلوده ماند. آن وقت این‌ها می‌خواهند چه کنند؟ تهران را تعطیل می‌کنند؟

میرفتاح: اگر جهان تعطیل شود، این روزنامه ما باید دربیاید. **مودی:** من شنیدم که کارکنان امروزی آقدر متعهد هستند که حتی اگر تعطیل بشوند، توی خانه‌هایشان می‌نشینند و با جدیت کار می‌کنند.

روشن‌ضمیر: من یک فامیل دارم که آبدارچی است. رفته بودم به خاتونه سر بزمن، شنیدم که می‌گفتند «هشی یحیی»، روزهای تعطیل به خاطر تعهد کاری‌اش، روزی صدتا چای می‌ریزد و روز اتاق می‌گرداند.

میرفتاح: باز این آب جوش است و چای خشک. ما یک فامیل داریم که بلیت‌فروش است. می‌رود دویست تا بلیت می‌خرد پاره می‌کند.

کیورچالی: فامیل مردم‌شور ندار که بفهمی روزهای تعطیل چگونه به تعهداتش عمل می‌کند؟

گزارش آخر

اولین جلسه رسیدگی به پرورنده فیلمنامه حضرت یوسف بر گزار شد

سلحشور: سوزه مال خداست

کارگردان فیلم یوسف پیامبر گفت: «براساس کارشناسی کارشناسان تشخیص داده شده‌است که بنده از فیلمنامه حضرت یوسف حضرت ادبی کردم ولی من این اتهام را قبول ندارم.» اولین جلسه رسیدگی به اتهام فرح‌الله سلحشور مبنی بر سرقت فیلمنامه سریال حضرت یوسف صبح امروز در شعبه ۱۰۵۷ مجتمع قضایی دادگاه کتان بود که ریاست قضایی حیدری برگزار شد. سلحشور در دفاع از خود گفت: براساس کارشناسی کارشناسان تشخیص داده شده است که بنده از فیلمنامه حضرت یوسف سرقت ادبی کردم ولی «من در همه عمر هیچ‌گاه مطالب کتاب شهاب‌الدین طاهری را ندیدم و فقط دست‌نوشته آقای حسینی را دیدم». سلحشور گفت: «بنده به اینکه کارشناسی ۲۰ درصد در تاپ و آزاره به صدا و سیمه، ۲۰ درصد در ساخت و ۱۵ درصد در سوزه تقلب شده است.» سلحشور با اشاره به اینکه ۱۵ درصدی که کارشناسی اعلام کرده تقلب است، گفت: سوزه مال کسی نیست که بخواهد اعضا کند و واقع سوزه مال خداست؛ آیا اگر دو نفر از یک‌جا و واحد از منیعی برای فیلمنامه خود استفاده کنند، نباید ۲۰ درصد شهادت بدهند باشد. او اضافه کرد: شخص طاهری در مصاحبه‌هایش گفته ۷۰ درصد فیلمنامه حضرت یوسف شبیه مال من است ولی در این راستا گفته‌است‌شده فیلمنامه‌اش از قرآن و تفسیر آن نوشته شده است. در حقیقت چرا برای شخص من شبیه قرآن نباشد سلحشور با بیان اینکه اگر طاهری خلاصیتی از خود داشته و من از آن استفاده کردم آن موقع باید ادعا کند، گفت: خود آقای طاهری گفته است کلیات فیلمنامه‌اش شبیه من است بنابراین من تقلب از روی چه چیزی کردم. بعد از بیان فعالیتات سلحشور، شهاب‌الدین طاهری شاکلی پرورنده در بیان اتهام خود گفت: هیچ‌کدام از صحبت‌های سلحشور را قبول ندارم، بلکه گفته‌امی وی را یکم‌آوری کردم و به صورت لایحه ۲۵ صفحه‌ای به علاوه اسناد ارائه می‌کنم. به گزارش فارس طاهری گفت: از زمان صداگذاری فیلم مردان آنجلس با یکی از دوستان صحبت کردم و از وی خواستم با سلحشور برای داستان یوسف صحبت می‌رساند. «حقوق مصرف‌کننده را تمام و کمال به نام همکاری کنیم. بعد از پایان سریال با سلحشور صحبت کردم و یک بخش از سناریو را که حدود ۲۰ قسمت بود به وی دادم تا اینکه آخر ۷۷ سال ۷۷ عولم سریال مردان آنجلس خدمت مقام معظم رهبری رسیدند و بعد از آن لایحی‌های اعلام کردم به حضرت موسی در دستور کار است و بنده موضوع را به سلحشور گفتم و وی مدعی شد که پروژه حضرت موسی با دستور رهبری بوده است. او در بخشی از حرف‌هایش گفت: «با وجود کوهی که صدا و سیمه جلوی من گذاشت مصرف‌کننده را یکم‌آوری کردم و به کتاب در اختیار جامعه قرار بدهم، اما قبل از آن به آیت‌الله هاشمی‌فسنجانی متوسل شدم و از آنها خواستم به من کمک کنند، آقای رفسنجانی هم به آقای لاریجانی نامه زدند و گفتند که این کتاب در استفاده شده.» او از نامه گفت: «فردا خود را به آقای لاریجانی دادم ولی هنوز کتاب چاپ نشده بود و از شخصه‌های مختلف فیلم وجود داشت، به لاریجانی گفتم که با شورش و مبارزاتی درباره کارگردانی فیلم صحبت کرده‌ام که مخالفت کرده‌اند. طاهری بیان کرد: سلحشور گفته بود اگر قرار است یوسف را بسازم شرطش آن است که نویسنده و کارگردان خودم باشم، من هم فهمیدم کتاب گشاده به سر من می‌رود و سریع تصمیم به چاپ کتاب گرفتم.»



موسوی‌جنوردی منتشر شد. در این فصلنامه مسائلی چون حقوق بشر و وضعیت اضطراری، نظر‌یه‌های تفسیرگر را در حقوق، ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی از دیدگاه حقوق عمومی اقتصادی، اصل تفکیک قوا و مساله حق محیط زیست در ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

فصلنامه علمی تخصصی حقوق عمومی با قیمت ۳۰۰۰ تومان عرضه می‌شود.